

همذات پنداری با یک قهرمان

تعزیه ای برای بانکداری در «وام اهلی»
اکران در زیرزمین خانه پدری
تولید صنعتی انیمیشن در عمار
فیلم سازی دینی: فیلم سازی انسانی و اخلاقی
+ پناهیان در کمپین ننه عصمت

ششمین جشنواره مردمی فیلم عمار

■ نشریه روزانه ششمین جشنواره مردمی فیلم عمار
■ شماره سوم - یازدهم دی ماه ۱۳۹۴
■ 6th ammar popular film festival





محسن اسلام زاده در کارگاه آموزش مستندسازی جستجوگر:

مستندسازی حوصله زیاد می خواهد

به گزارش خبرنگار «نشریه روزانه جشنواره عمار» محسن اسلام زاده، کارگردان مستند «تنها میان طالبان» تحقیق خوب و زیبایی شناسی را شاخصه یک فیلم خوب خواند و گفت: ارزش کار مستند ساز فراتر از یک محقق است چرا که در جایی که محقق کم است، این مستندساز است که وارد می شود و واقعیت را نشان می دهد، به همین خاطر تحقیقات در کار مستند بسیار مهم است.

برگزیده پنجمین جشنواره عمار، با اشاره به اینکه تم اصلی کاروی جنبش های اسلامی و تحولات منطقه ای است، گفت: بهترین پیش نیاز برای کسی که می خواهد وارد موضوعات جهان اسلام شود، کار در حوزه موضوعات و سوژه های منطقه سیستان و بلوچستان و کردستان است. اسلام زاده ادامه داد: یک مستندساز باید با فکری پیش برود و هر قدر روی موضوعی عمیق تر شود، بهتر می تواند روی آن موضوع را بیان کند.

کارگردان مستند «اهل سنت ایران» افزود: بین عوامل فیلم و شخصیت باید یک دیوار نامرئی وجود داشته باشد و یکی از بزرگترین رسالت های مستندساز این است که دوربین را در فضا هضم کند.

این مستندساز جبهه فرهنگی انقلاب با بیان اینکه برای ساخت مستند باید خیلی با حوصله بود، بیان داشت: ساخت مستند «تنها میان طالبان» حدود یک سال زمان برد، تا برای صداگذاری آماده شود و همین طور در مستند مثنی اسماعیل هم که موفق به دریافت جایزه های مختلف داخلی و خارجی شده است، کارگردان اثر چهار فصل سال را با سوژه همراهی کرده بود.

وی در پاسخ به سوال یکی از حاضران مبنی بر اینکه چرا کیفیت مستندهای خارجی بالاتر از مستندهای ایرانی است، گفت: مستندسازی ما به سمت بومی شدن پیش می رود و در چند سال اخیر پیشرفت های خوبی داشته ایم اما آنچه در مستندهای خارجی وجود داد این است که دوربین در زندگی شخص حذف شده و طول پلانها مناسب است و دکوریاژ خوبی دارند.

اسلام زاده با اشاره به ویژگی های تدوین خاطر نشان کرد: یک تدوین گر خوب باید مثل یک ویراستار خوب باشد و بعضی سکانس ها را براحتی کنار بگذارد؛ برخی در مستندسازی از ۷۰ دقیقه شروع می کنند در حالی که بهتر است از زیر ۳۰ دقیقه شروع کنیم.

این فیلمساز با بیان اینکه نباید «تجهیزات زده» شویم، گفت: امکانات و تجهیزات چندان مهم نیست و می توان با موبایل و هندی کم هم فیلم ساخت و همه را میکس کرد، همان طور که یک مستند دو دقیقه ای درباره سوریه توانست در ۳۵ جشنواره جایزه کسب کند.

وی در پایان سخنانش تصریح کرد: تحقیقات خوب تا حد اجتهاد، انتخاب داستان مناسب و منطبق با هدف، انتخاب شخصیت مناسبی که بتواند قصه گویی داشته باشد، روایت قصه در زمان حال درباره شخصیت، غرق نشدن در گذشته و همراهی زیاد با شخصیت از جمله ویژگی های یک مستند خوب است.

لیک پناهیان به دعوت ننه عصمت



مستند تنها میان طالبان در دومین روز از ششمین جشنواره فیلم های مردمی عمار در سینما فلسطین، توانست فضای جشنواره را تا حدودی تحت شعاع خود قرار دهد.

جلسه سخنرانی حجت الاسلام علیرضا پناهیان از سلسله سخنرانی های ویژه این دوره جشنواره با عنوان «مباحث نظری در خصوص سینمای انقلاب اسلامی» با استقبال خوب حاضران مواجه شد؛ به گونه ای که پس از دقایقی از شروع سخنرانی، صندلی خالی یافت نمی شد و افراد زیادی ایستاده سخنان وی را دنبال کردند.

حجت الاسلام پناهیان نیز، در روز دوم جشنواره، پس از پایان سخنرانی خود و هنگام خروج از سالن سینما، از کمپین دعوت ننه عصمت برای بافت دستکش برای رزمندگان جبهه مقاومت آگاه شد و در اقدامی نمادین شال گردن خود را که یادگاری مادرش بود، به این کمپین اهدا کرد.

مستند جستجوگر، عنوان کارگاه آموزشی بود، که از سوی محسن اسلام زاده، در دومین روز از جشنواره عمار برپا شد، کارگاهی که مورد توجه علاقه

مندان به عرصه فیلمسازی قرار گرفت و سؤالات مخاطبان سبب شد تا این جلسه در وقت معمول به پایان نرسد.

برو بچه های شبکه افق را می توان از فعالترین رسانه های تصویری جشنواره عمار تا به این جای کار دانست.

از میان چهره های حاضر در دومین روز جشنواره می توان به افرادی چون مازیار بیژنی، محسن علی اکبری، نفیسه روشن، شفیع آقامحمدیان، محمدرضا شهیدی فرد و ... اشاره کرد.



لیک پناهیان به دعوت ننه عصمت

وی با بیان این که افرادی که به مآلقب ارزشی داده اند، خودشان بیش از ما ارزشی هستند، گفت: برای این افراد موهوماتی به ارزش تبدیل شده که از اساس غلط است، مانند تمدن غرب و لزوم اقتصاد سرمایه داری، این درحالی است که این تمدن غرب در حالی فروپاشی است و این اقتصاد سرمایه داری نیز به بن بست رسیده.

این استاد حوزه و دانشگاه با بیان این که خیالپردازی و دوری از واقعیت مشکل کسانی است که انقلاب را قبول ندارند، اظهار داشت: اگر کسی بخواهد ما را مسخره کند، باید بگوید که از این همه واقع بینی شما خسته شدیم.

حجت الاسلام والمسلمین پناهیان با بیان این که سینمای دینی، سینمایی است که باید جامعه را با تمام واقعیت ها آشنا کند، اظهار داشت: سینمای آرمانی باید انسان را از خیال پردازی بیرون آورد و قابل تحقق بودن آرمان ها را به تصویر بکشد.

این استاد حوزه و دانشگاه، سینمای غیردینی را سینمای خیالپردازانه و احمقانه برشمرد و افزود: سینمای غیردینی بخش کوچکی از واقعیت را می بیند و آن را به کل تعمیم می بخشد و این مسئله مانند کسی است که پای فیل را لمس می کند و می گوید این ستون است.

حجت الاسلام والمسلمین پناهیان، با بیان این که هرروز به سینمای واقع بینانه نزدیک ترمی شویم و به همان میزان از سینمای تشریفاتی دور خواهیم شد، گفت: دربرهه کنونی شاهد این هستیم که جوان های باهوش و جامعه نگر به سینما روی آورده اند، در حالی که قبلا کسانی که به خیالپردازی علاقه داشتند به این هنرروی می آوردند و این نوید خیرهای خوب در آینده است.

به گزارش خبرنگار «نشریه روزانه جشنواره مردمی فیلم عمار»، حجت الاسلام والمسلمین علیرضا پناهیان، در دومین مجموعه از سلسله سخنرانی های ششمین دوره جشنواره فیلم های مردمی عمار، با اشاره به پخش مناظره ای در صدا و سیما پیرامون تمدن بشری، اظهار داشت: در این مناظره شخصی به بیان خوبی ها دوران پهلوی می پرداخت و الگوی تمدن و پیشرفت را ترکیه مثال می زد، بنده کاری به اندیشه آن شخص ندارم، اما باید گفت شخصی که چنین تفکری دارد، از واقعیت به دور است و او را نمی توان واقع بین دانست.

این استاد حوزه و دانشگاه، با انتقاد از قرار دادن عنوان ارزشی در برابر واقع بینی، اظهار داشت: مصیبت بزرگ از آن جا آغاز شد که عنوان نیروهای ارزشی بر ما گذاشته شد و آن را در برابر «واقع بینی» قرار دادند، چنین مسئله ای از اساس غلط است.

وی افزود: ادعای ما این است که اگر ایمان و اعتقادی در کار است، این ایمان ما را واقع بین می کند و ما را به سمت دیدن حقایق می کشاند.

حجت الاسلام والمسلمین پناهیان، ترسیم واقع گرایی را مساوی با حرکت ارزشی دانست و افزود: در کشور دو جریان خیال پردازان و واقع بینان وجود دارد، که دسته نخست که همان خیال پردازانند، عقیده دارند، که راه غربی ها و مسیر آن ها صحیح است.

این استاد حوزه و دانشگاه، با اشاره به این که ادبیات دفاع از انقلاب بیش از ۳۰ سال از اساس و پایه ویران است، گفت: این مشکل از آن جایی آغاز شد که مارکسیست ها مفسر اسلام و قرآن شدند و از آن دوران به بعد به مآلقب نیروی ارزشی داده شد.



فیلمی که نساخته ایم!



فیلم نامه یکی از ارکان مهم جهت تولید آثار سینمایی است و بسیاری از فیلم سازان از نبود فیلم نامه مناسب به عنوان یکی از معضلات تولید آثار سینمایی یاد می کنند؛ جشنواره عمار نیز یکی از اهداف خود را معرفی سوژه های جدید به سینمای ایران می داند؛ از این رو در این بخش به معرفی تعدادی از فیلم نامه های ارسالی به این دوره از جشنواره می پردازیم.



انیمیشن

داستانی از زاویه دید نوار چسب پهن و سفیدی که بصورت ضربدر بر روی شیشه مدرسه ای در خوزستان است . جنگ شروع شده و ضربدر سفید غلت زنان در شهر حرکت کرده ، یکبار بصورت پانسیمان زخم رزمنده ای در می آید ، بار دیگر بصورت علامت صلیب سرخ . در نهایت به شیشه شکسته مدرسه برگشته و سر جای اولش قرار می گیرد .

نویسنده:

رحیم کریم زاده

نمایی از اثر

مردی جوان در حال نصب شیشه ای بر روی پنجره کلاس است . او پس از نصب شیشه با نوار چسب پهن و سفید رنگی ، ضربدری بزرگ روی شیشه چسبانده ، می رود .

عنوان فیلم بر روی ضربدر نصب شده بر شیشه حک می گردد . در کنار پنجره ، درخت نخل بلندی قرار دارد که چند گنجشک در بین شاخه های آن در حال جست و خیز و شیطنت هستند . ناگهان آنها از سوی پنجره متوجه چیزی غیر منتظره می گردند و بی حرکت بر جای می مانند . گنجشک ها و در پی آنها درخت نخل ، به سمت پنجره نگاه می کنند . روی شیشه ی پنجره ، ضربدر سفید که چشم های خود را باز کرده دیده می شود . ضربدر سفید به بدن خود کش و قوسی داده و اطرافش را کنجکاوانه نگاه می کند .



باران

رضا رزمنده ای است که زخمی و تنها در میدان نبرد مانده است . همسرش باران در روستا به تنهایی کارهای خانه را انجام می دهد . چفیه رضا را می شوید و بر روی طناب پهن می کند . با زخمی شدن رضا ، چفیه خونی شده و بر روی زمین می افتد . در انتها هنگامی که باران قصد بالا آوردن سطلی را از چاه آب دارد ، دستی مردانه به کمکش می آید . تصویر رضا بر روی آب درون سطل می افتد .

نویسنده:

رضابسامی

نمایی از اثر

دود غلیظ سیاه رنگی به تدریج از برابر دوربین کنار می رود . انعکاس نور خورشید که در فضای آبی آسمان می درخشد کادر دوربین را پُر می کند . صدای باد و نعره آتش به گوش می رسد . انعکاس نور خورشید چشمان بزرگ و زیبای رضا را آزار می دهد . رضا جوانی با محاسن بلند و پیشانی بلند و ابروان به هم پیوسته که چفیه ای به دور گردن و لباس بسیجی به تن دارد نگاه از آسمان آبی برگرفته نیم خیز به نقطه ای نگاه می کند . دود غلیظ سیاه رنگ برای لحظه ای از برابر دیدگان رضا می گذرد . رضا نگاه می کند . چندین تانک و نفرتر عراقی در حال سوختن اند . جنازه سربازان عراقی روی بدنه تانک و کنار سنگرهای مُنهدم شده به چشم می خورد . رضا که از ناحیه شانه و پا زخمی شده کشان کشان به طرف بسیجی های شهید می رود . لب های خشکیده و ترک برداشته رضا چند بار تکانی خورده و اشک از چشمانش سرازیر می شود...



عمار؛ پاسخی به شکست سینمای ایران

موضوع قابل ذکر دیگری که در بعضی از نمونه‌های جشنواره‌های سینمایی مانند جشنواره فیلم فجر به چشم می‌خورد مسئله‌ی جذب تماشاگر به عنوان اولویت کار می‌باشد و همین امر موجب توجه کمتر به محتوا و بهبود کیفی آثار خواهد شد.

اگر از تبدیل شدن جشنواره‌های سینمایی به عنوان جایی برای تبلیغات و بازاریابی که در حقیقت یکی از کارکردهای عموم جشنواره‌های سینمایی دنیاست صرف نظر کنیم؛ بلاشک نمی‌توان از ابتذال فاحش راه یافته به آثار سینمایی در سال‌های اخیر چشم‌پوشی کرد. پدیده‌ای که حتی داد اهالی هنر را نیز در آوره و هربار شاهد اعتراض و عکس‌العمل یکی از هنرمندان به این مقوله شوم هستیم.

ابتدال در سینمای ایران بیش از دو دهه است که به موضوع روز تبدیل شده و امروز علاوه بر مشکل فیلم‌های مسئله‌دار و دیالوگ‌های نا به‌هنجار و خارج از عرف که نقد بسیاری از افراد و حتی بازیگران را به دنبال دارد، پشت پرده مفسده‌پیشنهادهای بی‌شرمانه به بازیگران نیز وجه جدید این ابتذال شده است. و متأسفانه برخی از آثار که به جشنواره‌های این سالها راه یافته‌اند خالی از این اشکال نبوده‌اند.

شاید یکی از دلایل این امر عدم نظارت کیفی مطلوب بر محتوای آثار سینمایی باشد. چرا که نگرش در تلویزیون با نظارت بیشتری انجام می‌شود. در واقع یک طرح برای تبدیل به سریال باید از چند شورای نظارتی بگذرد تا به مرحله نگارش و تولید برسد. اما در سینما شما فقط با شورای پروانه ساخت روبه‌رو هستید. و در خصوص جشنواره‌ها نیز مسئله‌ی نظارت

معیار اعطای جایزه باشد تا هم نیازی به بررسی و کنکاش میان مفاهیم بعضاً مشکل‌دار فیلم‌ها نداشته باشیم، هم هنرمندان عرصه سینما مجبور نباشند تا رنج پاسخ‌گویی را تحمل کنند.

مع الاسف باید گفت که مسئله عدم وجود فیلمنامه‌های قوی تنها یکی از مشکلات آثاری است که به جشنواره‌های داخلی کنونی سینما راه می‌یابند.

جشنواره‌های داخلی سینما همچون جشنواره‌ی فجر با مسائل و حواشی دیگری دست و پنجه نرم می‌کنند که در یک عبارت ساده همه‌ی این عوامل را می‌توان "علل شکست سینمای فعلی کشور" نامید.

عواملی همچون ضعف در جذب بین‌المللی که به عقیده‌ی کارشناسان، بخش بین‌الملل در این جشنواره‌ها عموماً یا فرامی‌شود برگزار شده است و یا تعطیل و نیمه‌تعطیل بوده است. در حالی که به یقین حضور آثار خارجی مناسب و قابل دفاع در جشنواره فجر، می‌تواند هم برد بین‌المللی آن را بیفزاید و جشنواره داخلی ما را به یک پرنده بین‌المللی تبدیل کند، و هم می‌تواند برداغ شدن رقابت‌ها و افزایش جذابیت‌های آن اثرگذار باشد. و این حداقل انتظار از جشنواره‌ای است که نام و نشانی از انقلاب را بیدک می‌کشد.

مشکل دیگر از این دست جشنواره‌ها همراه شدن آن با حواشی بسیار زیاد می‌باشد. متأسفانه در جشنواره‌ای که حاشیه‌ها بر متن پیشی بگیرد، دیگر مجال و فضایی برای پرداختن به اصل و عصاره فیلم‌ها که همان محتوای اثر است، باقی نخواهد ماند.

در تبیین علل ضعف ساختاری در سینمای ایران از مهمترین عوامل میتوان به عدم وجود فیلمنامه و محتواهای غنی، قابل دفاع و همگام با ذائقه‌ی سخت‌پسند مخاطب اشاره کرد. و همین امر که باعث خالی شدن صندلی‌های سینما شده، به بی‌رونی و کسادی بازار جشنواره‌های داخلی نیز دامن زده است.

در شرایطی که فیلم‌های راه یافته به جشنواره‌ای همچون فجر یا براساس اتفاقات تکراری عاشقانه ساخته می‌شود، یا روایت دسته‌چندم از فلان فیلم مشهور است، یا سوژه‌های قدیمی و نخ‌نما را تکرار می‌کند، یا برای ترویج غم و یأس و اندوه جلوی دوربین رفته است و یا به زور بازی گرفتن از چند بازیگر مشهور ساخته شده است؛ بازیگرانی که چهره‌شان هم مثل بازی‌هایشان تکراری شده است و گاه تا پنج فیلم و یا بیشتر را در طول یک سال، به حضور خود می‌آریند؛ و محتوای یکسانی بین اکثر قریب به اتفاق فیلم‌های داخلی به چشم می‌خورد؛ آیا می‌توان آینده‌ای روشن برای خلق موقعیت‌های دراماتیک و آثاری ابتکاری و بدیع در چنین جشنواره‌ای متصور شد؟

البته وقتی قرار باشد در سینمایی که با ضعف‌های مختلف اما شناخته شده و شایع دست و پنجه نرم می‌کند یک مسابقه یا رقابت داخلی انجام شود، دیگر دلیلی ندارد تا محتوا، عامل اصلی سنجش مرغوبیت فیلم‌ها شود.

در چنین شرایطی، کوچک‌ترین نوآوری‌ها ولو در حد استفاده از چند فریم متفاوت و یا چند جمله خاص در یک فیلم و یا ایفای یک نقش نه‌چندان خاص از سوی فلان بازیگر، می‌تواند



اکران نماز جمعه:

یکی از بزرگ‌ترین اکران‌ها

اکران راز هیئت و کانون خودمان شروع کردیم. فیلم «و دیگر هیچ نبود» درباره یک رزمنده ایرانی و یک عراقی بود که در تانکی با هم روبه‌رو می‌شدند و اتفاقات خاصی بین آن دو رخ می‌داد. بعد هم انیمیشن نبرد خلیج فارس را پخش کردیم. اولین اکران ما با این دو فیلم بود. از اواسط دی تا اواخر بهمن به صورت فشرده در مدرسه‌ها، مسجدها و خانه‌های شهدا اکران کردیم. در طول سال در کلاسهای تابستانی، کانونهای مساجد، جلسات هفتگی هیئت‌ها و حتی در دیدارهای خانوادگی فیلم اکران کردیم. بیشترین اکرانهای ما در مسجدها و مدرسه‌ها و پُرمخاطب‌ترین اکران هم در مدرسه‌ها بود. در دبیرستان «بهشتی» حدود چهارصد نفر در یکی از اکران‌ها حاضر شدند. در تالار شهر هم فیلم اکران کردیم که حدود چهارصد نفر شرکت‌کننده داشت. پخش فیلم در نماز جمعه هم یکی از بزرگ‌ترین اکران‌ها بود.

حمید صالحی (اکران‌کننده داراب)

عمار: آینه وحدت

اولین اکران ما در سازمان تبلیغات بود. نماز جمعه را برای تبلیغات در اختیار ما گذاشتند. در مساجد مختلف اهل سنت و شیعیان هم کاغذهای تبلیغاتی پخش کردیم. مردم «بلوچستان» خونگرم هستند. اهل سنت خیلی با ما همکاری کردند؛ حتی دوسه نفر از بزرگانشان لطف کردند و در مراسم ما حاضر شدند. از بچه‌های اهل سنت هم برای تبلیغات استفاده کردیم.

میلا دامینی (اکران‌کننده خاش)

جشنواره عمار با عبور از ضعف‌های معهود

جشنواره‌های سینمایی، پا را از یک جشنواره

مستقل و هدفمند

فراتر نهاده و به محلی برای به نمایش گذاشتن

دستاوردهای انقلاب و فرهنگ اسلامی ایران

تبدیل شده است.

و مدیریت محتوای فیلم‌ها، بیشتر مورد غفلت قرار می‌گیرد. مشکل بعدی جشنواره‌های کنونی سینمایی، مسئله‌ی عدم وجود تنوع در ژانرهای فیلمهای اینگونه جشنواره‌هاست.

در شرایطی که سینمای غرب روز به روز بر سرعت ربودن گوی سبقت از رقیبان، در زمینه‌ی محتوا، قالب و ژانر آثار خود می‌افزاید؛ بی‌توجهی مسئولین جشنواره فجر نسبت به این مقوله جفای بزرگی در حق سینمای کشور می‌باشد.

حال سوال اینجاست که با وجود شرایط مذکور فعلی در سینما و جشنواره‌های کشور؛ بهترین راهکار برای رهایی از چنین رکود و ضعف‌هایی چیست؟ آیا پس از گذشت سی و اندی سال، نباید شاهد به نمایش گذاشتن پیشرفت‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی در آثار سینمایی تولیدی کشور باشیم؟ و آیا برای چنین امری اجازه عرض اندام به کارگردانان و نویسندگان جوان انقلابی در سینمای فعلی کشور و جشنواره‌های فوق‌الذکر وجود دارد؟

جشنواره‌ی عمار جایی است برای پاسخ به تمامی پرسش‌های فوق و مشابه آن. جایی برای به رخ کشیدن توانمندی‌های جوانان متعهد جبهه فرهنگی انقلاب در تولید آثاری فاخر و ارزشمند در زمینه‌ی فرهنگ بومی، ملی و اسلامی کشور.

جشنواره‌ای که نه تنها فاقد ضعف‌های معهود جشنواره‌های سینمایی است، بلکه پا را از یک جشنواره مستقل و هدفمند فراتر نهاده و به محلی برای به نمایش گذاشتن دستاوردهای انقلاب و فرهنگ اسلامی ایران تبدیل شده است.



محسن اردستانی:

مستند معلم روزی ما بود



«معلم» عنوان مستندی از محسن اردستانی رستمی است که به معرفی تیب فاطمیون در سوریه می پردازد و تفاوت این تیب این است که رزمندگان این تیب را شیعیان افغانستان تشکیل می دهند که به دفاع از حرم حضرت زینب و رقیه (س) می پردازند.

آنقدر کار گره می خورد تا به حرم می رفتیم و متوسل می شدیم تا گره از کارمان باز شود.

به طور مثال در تهران پیش بینی هایی انجام می دهیم برای کار، اما در مستند بحران فضا بسیار متفاوت است و بسیاری از اتفاقات غیرقابل پیش بینی است چرا که فضا این غیرقابل پیش بینی بودن را فراهم می کند.

جشنواره عمار تا چه میزان توانسته به جریان سازی گفتمان مقاومت در قالب تصویر پردازد؟

مسائل ناراحت کننده ای که در برخی جشنواره ها مشاهده می شود این است که کارهایی بسیار قوی در گونه ی مستند ساخته می شود و با توجه به قوی بودن در فرم و محتوا، اما در جشنواره ها تحویل گرفته نمی شود جز در عمار و این سؤالی است بی پاسخ برای من.

دوستان و مسئولان در جشنواره ها یک سری سیاست زدگی در هر دوره ای در کارهای شان دارند و فیلم هایی که فضای روشنفکری بسیار دارد تحویل گرفته می شود و سعی می شود به افرادی مشخص که دارای اسم و رسم هستند بیش از کارهایشان بها داده شود در حالی که اصولی است که اثر آدم از نامش بیشتر معروف باشد.

با توجه به فضای مستند معلم آیا تغییراتی هم در طول ساخت مستند در مسیر قصه داستان ایجاد شد؟

پس از اتمام کار تصویربرداری و تدوین مستند «معلم» فاصله زمانی یک

نامگذاری این اثر بدین جهت است که راوی آن معلمی افغانستانی است که برای دفاع از حرم به سوریه آمده و به مقابله با تروریست های داعش می پردازد، حضور دوربین در مناطق آسیب دیده و نشان دادن اثرات مخرب حضور داعش و استفاده از تصاویر آرشیوی مبارزه رزمندگان تیب فاطمیون با دشمنان توانسته به جذابیت های این مستند بیفزاید.

این کارگردان ۲۶ ساله از سال ۸۹ به صورت حرفه ای وارد دنیای فیلمسازی شد و در پنجمین دوره جشنواره عمار توانست، فانوس بلورین بخش بین الملل و بیداری اسلامی به خاطر فیلم مستند کرار کسب کند.

ایده و ماجرای مستند معلم چگونه شکل گرفت؟

در ابتدا قرار بود مستندی درباره اقدامات شهید حسن شاطری در افغانستان ساخته شود و در حین تحقیق و پژوهش این مستند، با گروه فاطمیون که متشکل از رزمندگان افغانستانی مدافع حرم در سوریه بود، آشنا شدیم و ما با ابو حامد فرمانده این گروه آشنا شدیم و مسیر ساخت مستند به این سو کشیده شد.

در ساخت این مستند سختی و مشکلات بسیاری را متحمل شدیم؛ چرا که نخستین بار بود که فضای جنگ و بحران را تجربه می کردیم و به اعتقاد من همه چیز در ساخت مستند معلم رزق و عنایت الهی بود به گونه ای که در ابتدا قرار نبود معلم، کاراکتر قصه و داستان ما باشد حتی در سفر دوم مان به سوریه نیز پیش می آمد که چند روز بیکار بودیم و





« معلم »

همذات پنداری با یک قهرمان

بعد از چند سال تجربه جبهه رسانه‌ای انقلاب در قبال اتفاقات منطقه، شاهد رشد افق‌های مستندسازان این عرصه هستیم، مستند «معلم» یکی از مصادیق این مدعاست، روایتی روان، به دور از تکنیک زندگی، معلم حال و روز رزمنده‌ای افغانستانی از تیپ فاطمیون در سوریه را روایت می‌کند، فردی شبیه به همه انسان‌ها، منتها با صفاتی که در عرصه جهاد صادقانه بروز کرده‌اند.

معلم باور پذیراست زیرا ساخت وجودی او همان است که مخاطب در خود می‌بیند، بدون پیرایه‌ها و وصله‌های نامتناسب، به همین سبب باعث نوعی از همذات پنداری می‌شود تا بیننده خود را به جای او فرض کند.

فیلم ساز با دخالت حداقلی در فیلم و پرهیز از فرم زندگی سعی کرده در نسبتی مشخص در کنار سوژه بماند، نه مانند یک گزارشگر، سطحی و نه مانند یک داستان پرداز، دخالت کننده.

معلم کلیشه تصویر افغانستانی‌ها را به خود نگرفته و با نگاهی بدور از پیش فرض‌ها روایتی صادقانه به بار آورده است. البته هنر بارز فیلم ساز را می‌توان در ابتدا، انتخاب همین سوژه دانست، زیرا معلم خود از ظرافت‌های بسیاری برخوردار است. فردی با ویژگی‌های انسانی حتی در شرایط نبرد بدور از رفتارهای تصنعی اما همچنان همراه با تیم مستند ساز.

این فیلم اثری با برند روایت فتح است، در مجموعه‌ای که شهید آوینی پایه گذار آن بود، آنچه روایت می‌شد حالات مردمی بود که عالی‌ترین صفات انسانی را در عرصه مبارزه از خود بروز می‌دادند، و حالا «معلم» از همان دسته فیلم‌هاست، هرچند نریشن نگاه تاویلی شهید آوینی را ندارد اما مواجهه تیم مستند ساز قرابت زیادی با جنس فیلم‌های روایت فتح دارد، باید دید روایت فتح در آینده باز هم از این زاویه فیلم خواهد ساخت؟



ماهه تا پخش ایجاد شد و در این مدت فیلم را از طریق جانشین تیپ، به ابوحامد فرمانده تیپ فاطمیون رساندیم و بچه‌های گردان به ابوحامد گفتند که حیف است فیلمی از شما در کار نباشد و ابوحامد می‌گفت نیازی نیست تا سه روز قبل از شهادت ابوحامد که گفته بود که فیلم‌هایی را برای قرار دادن در کار در اختیار ما قرار دهند و فیلم‌های آرشیوی پس از شهادت در اختیار ما قرار گرفت.

خودم به عنوان کارگردان، اثر معلم را بسیار قوی نمی‌دانم و بازخوردهایی که از این مستند داشتیم فراتر از تصور ما بود و یکی از دوستان تعریف می‌کرد پدر من جانباز اعصاب و روان بستری در بیمارستان بود و پس از تماشای مستند معلم وضعیتش بهبود یافته بود و ما را به خانه منتقل کردیم.

در جلسه نقد و بررسی این مستند در حسینیه هنر که همزمان با مراسم گرامی‌داشت و هفتمین روز شهادت ابوحامد برگزار شد عبدالرضا هلالی نیز حضور داشت و پس از مراسم به او گفتم که این بچه‌ها را فراموش نکن و پس از مدتی آقای هلالی مراسم پاسداشتی برای رزمندگان مدافعان حرم افغانستان برگزار کرد.

با این حال مظلومیت شیعیان افغانستانی چه در افغانستان، چه در ایران و حتی در منطقه نبرد سوریه، موجب شده است که با وجود تقدیم شهدای متعدد توسط «تیپ فاطمیون»، شهدای این تیپ شجاع آنچنان که باید شناخته نشوند

آرزو می‌کنم، زیر این آسمان آبی هر کس برای شهدا به ویژه مدافعان حرم کاری کند، خدا بهترین‌ها را به او عطا کند؛ چرا که مدافعان حرم بسیار مظلوم واقع شده‌اند.



فیلمساز بوشهری: اقبال عمومی به سینما با تولید آثاری از جنس مردم

علی نیکفر متولد ۱۳۷۰ در شهرستان بوشهر، در آستانه فارغ التحصیلی از دانشگاه آزاد اسلامی این شهرستان در رشته فیلمسازی است؛ وی از ابتدای ورود به دانشگاه به تولید فیلم کوتاه روی آورد و هم اکنون با مستند تور و ماهی که سومین ساخته این فیلمساز جوان است در جشنواره مردمی عمار حضور دارد.

علی نیکفر، کارگردان فیلم داستانی «تور و ماهی» در گفت و گو با خبرنگار «نشریه روزانه جشنواره مردمی فیلم عمار»، این فیلم کوتاه را نگاهی مفهومی به زندگی کودکان کار خواند و اظهار داشت: در این فیلم دو پسر بچه در بازار ماهی فروش ها کار می کنند تا آنکه بر اثر یک سری اتفاقات مجبور به تصمیم گیری بر خلاف روند سابق زندگیشان می شوند.

کارگردان فیلم داستانی تور و ماهی، ایده این فیلم را برگرفته از فعالیت های جمعیت دانشجویی امام علی (ع) در راستای کمک به محرومان عنوان کرد و گفت: این جمعیت در بوشهر، در روزهای ۵ شنبه و جمعه برای کودکان کار کلاس های درسی برگزار می کرد و طی ارتباط و همراهی با آنان، ایده اولیه تولید فیلم تور و ماهی شکل گرفت. وی افزود: این فیلم در سه لوکیشن و در ۸ روز فیلمبرداری شد و تمام تلاش من، به تصویر کشیدن روزنه نور و راهی جهت تبدیل شدن به انسانی بهتر بود.

نیکفر، با اشاره به غفلت بسیاری از سینماگران از پرداختن به موضوعات مرتبط با زندگی عموم مردم تصریح کرد: اکثر تولیدات سینما ارتباط موثری با مخاطب برقرار نمی کند در حالی که اگر آثاری از جنس مردم تولید شود استقبال بیشتری را نیز در پی خواهد داشت.

وی، تدوین پروژه سینمایی با موضوع دفاع مقدس را فعالیت بعدی خود در عرصه سینما خواند و گفت: این فیلم برشی از زندگی سردار خلبان شهید یاسینی از شهدای جنگ تحمیلی است و هم اکنون مراحل تدوین را سپری می کند.



«از ما» از دفاع مقدس می گوید فیلم سازی دینی؛ فیلم سازی انسانی و اخلاقی

سید مرتضی سبزقبا متولد ۱۳۵۹ در شهر دزفول و وی دانش آموخته انجمن سینمای جوانان ایران و نیز عضو انجمن فیلم کوتاه ایران (ESFA) است؛ فیلم های «برای او»، «آنها» و «از ما سه گانه اخیر سبزقبا هستند که در آنها با موقعیت های تقریباً مشابه ولی با ساختارها و داستان های متفاوت به دفاع مقدس و انسانهای متأثر از آن پرداخته شده است و در جشنواره های مختلف داخلی و خارجی شرکت داشته و جوایزی را از آن خود کرده اند.

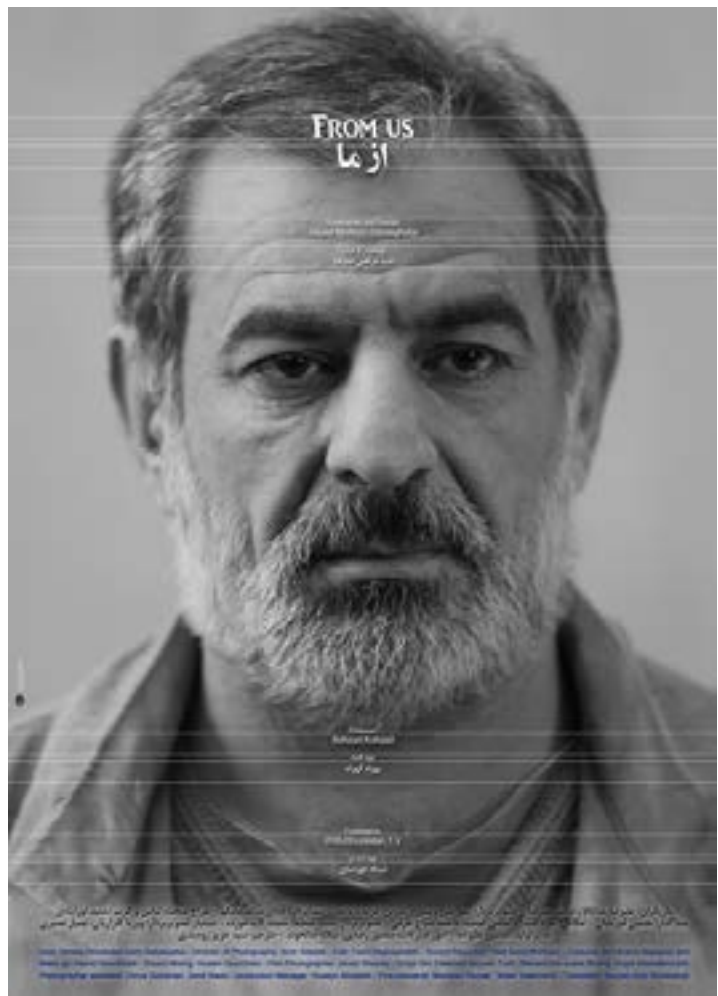


سید مرتضی سبزقبا، کارگردان فیلم داستانی «از ما»، در گفت و گو با خبرنگار «نشریه روزانه جشنواره مردمی فیلم عمار» با اشاره به ارسال این اثر به ششمین جشنواره مردمی فیلم عمار، بیان داشت: این اثر برای نزدیکی و قرابت هر چه بیشتر انسان هایی تولید شده که هر چند جنگ ناخواسته ای بین آنها شکل گرفته اما شاخصه های مشترک مذهبی و فرهنگی می تواند عامل نزدیکی آنها باشد.

وی با اشاره به اینکه سالها بود می خواستم درباره انسان های متأثر از جنگ اثری تولید کنم و دین خود را به مردم ادا کنم، اظهار داشت: یکی از دغدغه های من برای فیلم سازی نقاط مشترک انسانی و اخلاقی آدم هایی است که اگر جنگ به آنها تحمیل نشود، می توانند در صلح و صفا و برادری باهم ارتباط برقرار کنند و در کنار هم زندگی کنند.

سبزقبا روند ساخت اثر را بسیار خوب عنوان کرد و افزود: مشکل خاصی در جریان تولید وجود نداشت و گروه تولید، یک گروه حرفه ای و در عین حال صمیمی بودند.

وی ادامه داد: اتفاق جالب توجهی که در جریان فیلمبرداری رخ داد این بود که ما قصد داشتیم که باتوجه به مفاهیم موجود در فیلم، تصویربرداری این فیلم -نه به شکل سیاه و سفید- بلکه به شکل دقیق اش به شیوه خاکستری صورت بگیرد. به همین منظور همواره از فضای بسته و نور مصنوعی استفاده کردیم تا اینکه روز آخر برای ضبط پلان های خارجی با تصور اینکه هوا باید آفتابی باشد تا تصاویر فیلم با کنتراست پایین و رنگ خاکستری ضبط شوند، به فضای باز رفتیم. آن روز هوا ابری شد و ما پس از اندکی تامل وقتی مجبور شدیم با همان وضعیت فیلم برداری کنیم متوجه شدیم که تصویر ما خاکستری است و ما اتفاقاً دقیقاً به چنین هوایی نیاز داشته ایم.



این فیلمساز درباره جشنواره عمار گفت: این جشنواره همانطور که از نام آن پیداست، بیش از این که یک جشنواره حرفه ای باشد، جشنواره ای مردمی و با نگرشی مذهبی است و اگر فیلم سازان حرفه ای در آن حضور نداشته باشند ممکن است سطح کیفی آثار شرکت کننده تنزل پیدا کند.

سبزقبا با بیان اینکه برگزاری جشنواره ها به خودی خود و فارغ از رویکردی که دارند، اتفاق مبارکی است اظهار داشت: اگر جشنواره ها با نگاهی حرفه ای مدیریت شوند می توانند درازمدت در سینمای ایران تأثیرگذار باشند و در صورتی که مانند جشنواره عمار به شکل گسترده و مستمر و با رویکردی دینی برگزار شوند این امید وجود دارد که در روند شکل گیری سینمای دینی موثر و مفید واقع شوند. وی تصریح کرد: برای اینکه فیلمی بتواند

پیامی دینی را به خوبی منتقل کند باید اصول و قواعد علمی و هنری سینمایی در آن رعایت شده باشد. سینمای دینی بیش از نیت فیلمساز، برآمده از اندیشه فیلمساز است. آنچه که هنر سینما مینامیم‌آش، خود واجد ویژگیهای هنری و فنی خاصی است که مکمل جهانبینی دینی فیلمساز است تا ظرف و مظهر را آنگونه که باید و شاید، با هم تطبیق بدهد و ترکیبی درست از این دورا به ثمر برساند.

این فیلمساز در ادامه گفت: آنچه می تواند به بالا رفتن کیفیت جشنواره عمار کمک کند این است که کارشناسان و هیئت انتخاب جشنواره، فیلم ها را بر اساس شاخصه های حرفه ای و هنری تثبیت شده جهانی انتخاب کنند.

سبزقبا اکران های مردمی عمار را حرکتی مثبت

ارزیابی کرد و افزود: سینما برای مردم است و اگر مردم به هردلیلی نمی توانند به سینما بروند، خوب است که فیلم ها را به میان مردم و اجتماعات آنها ببریم. امیدوارم بقیه جشنواره ها نیز از این کار الگوبرداری کنند.

وی خاطر نشان کرد: اکران های مردمی حتی اگر در سینما تأثیری نداشته باشد، اما قطعاً می تواند در فرهنگ و نگرش و جهان بینی مردم موثر باشد و هدف از سینما هم همین است که فرد را در معرض آموزش های مختلف انسانی و اخلاقی قرار دهیم.

سبزقبا با این آرزو که همه مسئولین فرهنگی کشور به ارتقاء آثار سینمایی کمک کنند، درباره برنامه کاری آینده اش گفت: فیلم نامه ای با نام " وقت گل نی" در دست تولید دارم که در جشنواره ملی کاسپین رشت، جایزه اول بهترین فیلمنامه داستانی را کسب کرد.





گفت و گو با فیلم ساز فرزندان آفتاب

تولید صنعتی انیمیشن در عمار



مسعود حمزه ای متولد ۱۳۶۰ کارشناس انیمیشن و همچنین دانش آموخته بازیگری و کارگردانی در موسسات آزاد است. همچنین در حدود ۱۵ سال است که سابقه فعالیت در حوزه انیمیشن و همچنین بازیگری و کارگردانی دارد. او برای دومین بار در ششمین جشنواره عمار با پویانمایی «فرزندان آفتاب» حضور پیدا کرده است.

«فرزندان آفتاب» کارگردان فنی این پویانمایی توانست به تولید نرم افزار برسد، تولید نرم افزار در تمامی پروژه های دنیا انجام می شود، این نرم افزار سرعت تولید ما را به ۸۰ الی ۱۰۰ دقیقه در ماه رساند و می توان با قدرت گفت که به تولید صنعتی رسیدیم.

کارگردان فرزندان آفتاب گفت: برگزاری جشنواره ها اتفاق خوبی است چون جشنواره برای هنرمند ایجاد انگیزه می کند، جشنواره عمار هم به همین صورت برای خیلی از فیلم ساز ها می تواند ایجاد انگیزه کند

وی با اشاره به آکران های مردمی عمار گفت: تماشای فیلم و انیمیشن و همچنین مستند به صورت رایگان قطعا برای صاحب سینما مطلوب نیست، اما برای بیننده و همچنین فیلم ساز بسیار ایده آل است که می تواند اثر خود را برای خیلی از مخاطبان به نمایش

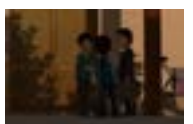
و حوادث به وجود آمده اند که با راهنمایی های روحانی محل مشکلات را مرتفع می کنند و سپس وارد مبارزه در عرصه انقلاب و مشکلات آن می شوند و با جنگ تحمیلی و اسارت این پویانمایی به پایان می رسد.

مسعود حمزه ای گفت: همیشه سعی من در این بوده است که از کار شعاری دوری کنم و هدف من تولید یک اثری بوده است که نوجوانان این اثر را ببینند و بتوانند با این پویانمایی ارتباط برقرار کنند. با استفاده از مشخصه های هنری و سینمایی این پویانمایی را محدود به کودکان و نوجوانان نکردیم و این اثر قابل مشاهده برای بزرگسالان نیز هست.

وی در ادامه با اشاره به تجربه های ساخت اثر افزود: در ساخت یک اثر تجربیات فراوانی را کسب می شود. به عنوان مثال در ساخت

مسعود حمزه ای کارگردان پویانمایی «فرزندان آفتاب» در گفت و گو با خبرنگار «نشریه روزانه جشنواره عمار» با اشاره به نحوه ورود به عرصه انیمیشن و سینما اظهار کرد: ابتدا در حوزه تبلیغات مشغول به فعالیت بودم و پس از ارتباط با یک شرکت تولید فیلم و انیمیشن در سال ۱۳۷۹ وارد عرصه تولید انیمیشن شدم؛ در سال ۱۳۸۵ فیلمی به نام به سوی نور که در جشنواره دانشجویی مورد تقدیر قرار گرفت.

وی افزود: در جشنواره عمار با پویانمایی بلند «فرزندان آفتاب» شرکت کردم که ایده این اثر از آقای اسکویی تهیه کننده اثر است که تحصیلات خارج از کشور در زمینه فیلم نامه دارند، این پویانمایی خلاصه ای از ۵۲ قسمت از سریال فرزندان آفتاب است که در این انیمیشن یک سیر تاریخی از سال ۱۳۵۳ آغاز می شود که تعدادی از نوجوانان درگیر اتفاقات





«روایت نصر»

این مستندها پیرامون شهید حمید رضا زمانی است که نصف بدنش در جرف الصخر عراق و در مسیر زائران اربعین و نصف دیگر آن در ایران مدفون است. «حمید رضا زمانی» یکی دیگر از رزمندگان مظلوم جبهه‌ی اسلام ناب محمدی بود که در راه دفاع از حریم آل الله در برابر ایادی اسلام آمریکایی و مزدوران سعودی به شهادت رسید و از پیکر پاکش، تنها سرخونین و دست قطع شده‌اش به ایران آمد و در تهران تشییع شد.



«فرصت در غروب»

مستند «فرصت در غروب» به کارگردانی علی اکبر شفیعی به سیره شهید علی اکبر اژه ای از شهدای بمب گذاری دفتر حزب جمهوری اسلامی در ۷ تیر ۱۳۶۰ پرداخته است. شهید اژه ای مبارزات سیاسی مذهبی را در سال ۴۴ با ورود به کانون تربیتی جهان اسلام که یک پایگاه فعال و مرکز سیاسی مذهبی بود شروع کرد و با کمک دیگر برادران جزواتی پرمحتوا به نام فرصت در غروب را منتشر می کرد. پس از پیروزی انقلاب بیشتر وقتش را به روشنگری و افشای چهره ی منافقین و لیبرال ها گذراند و عامل جذب جوانان بسیاری به فعالیت های دینی و مذهبی شد.



بگذارد و مخاطبان به راحتی آثار را تماشا کنند که این موضوع برای فیلمساز بسیار امیدبخش است. مسعود حمزه ای در پایان با اشاره تولیدات آینده خود گفت: فاز دوم فرزندان آفتاب با موضوع زندگی فرزندان شخصیت های قسمت اول فرزندان آفتاب ساخته و پرداخته می شود و قسمت دوم فرزندان آفتاب در مراحل تولید و ساخت است.

فیلم های عمار در میان طلاب

اکران در زیر زمین خانه پدری

مهدی گشتکاران از شهرزنبیل آباد قم و از طلاب حوزه علمیه است و تا به حال توانسته اکران فیلم های عمار در نقاط مختلف شهر را انجام دهد.

اکران داشتیم و این روند حدود سه ماه به طول انجامید و البته زمانی هم که برای تبلیغ به شیراز رفته بودم یک اکران داشتم و در ماه مبارک رمضان نیز دو سه اکرانی در مسجد امام خمینی (ره) شیراز انجام دادیم.

جز طلبه ها، مردم دیگر چه بازخوردی نسبت به کار شما داشتند؟

استقبال بیشتر بود، یک مورد هم بود که گفتند ما حاضریم ادامه دهیم و کمک کنیم، یکی دوبار که برای اقوام پخش کردیم، یک نفر که دانشجوی هم هست گفت ما حاضریم در خانه ادامه دهیم که کم کاری خودمان بود که ادامه پیدا نکرد.

در مجموع نظر خانواده نسبت به کار شما چگونه بود؟

در مجموع در خانواده تاثیر خوبی داشت که ضرورت چنین کارهایی بیش از پیش احساس شد، فعالیت در فضای جنگ نرم مقداری در خانواده ما جا افتاده و این هم بیشتر کمک کرد.

چرا شما چنین پیشنهادهای دادید که در هیئت اکران شود؟

با فرمایشاتی که رهبر داشتند همیشه دوست داشتم که قالب جدیدی برای هیئت تعریف شود که به سمت انقلابی شدن هیئت ها برویم و بتوانیم عنوان هیئت انقلابی را در هیئت مان محقق کنیم، با دوستان هم در این موضوع بحث داشتیم و یک راهکار عملی که به ذهنم رسید این بود، که جذابیت خوبی هم داشت اما قالب آن باید کامل و جامع تعریف شود سخنرانی و مداحی کنار فیلم، یک مقدار ناهمگون است و باید مقداری روی آن کار شود، اگر همراهی داشتیم که وقت می گذاشتند با همدیگر فکر می کردیم می شد قالب بهتری تعریف کنیم ولی متاسفانه تنها بودم.

مثلا چه قالبی؟

دقیق در ذهنم نیست ولی آنچه به عنوان اصل قبول داشتم این بود که هیئت باید شور همراه با معرفت باشد. گاهی آدم معرفت را از سخنران

چگونه با جشنواره عمار آشنا شدید؟ و مکان هایی که فیلم های عمار را اکران می کردید معمولا کجاها بود؟

از طریق تبلیغات تلویزیونی با این جشنواره آشنا شدم و فیلم ها را در زیر زمین منزل پدری و هیئت طلبه های حافظ قرآن که جلساتی هفتگی داشت اکران می کردیم.

در هیئت طلبه های حافظ قرآن، سخنرانی را به بحث و گفتگوی هنری تبدیل کردیم و به یکی از دوستان که در مراکز اسلامی، هنری کار کرده بود گفتیم بیایند و در مورد موضوعات هنری صحبت کنند. ابتدا فیلم گذاشتیم و بعد گفتگو بود، بقیه جلسات نقد فیلم، بعد سخنرانی و مداحی سرچایش بود یعنی نتوانستیم اینها را از هم جدا کنیم و جا افتاده بود.

از حواشی و نکات جالب و تأثیر گذار اکران های مردمی عمار بفرمایید؟

ما اکران خانوادگی هم داشته ایم و خوشبختانه تأثیر خوبی در خانواده ها داشته و بعضی ها که اهل فیلم به خصوص دیدن فیلم های خارجی بودند، این فیلم ها را که دیدند احساس کردم کلا دیدگاه شان تغییر کرد و دید مثبتی پیدا کردند و اقرار کردند که ما می توانیم فیلم های خوب بسازیم.

اما متاسفانه بین طلبه ها استقبال زیادی نشد و واکنش چندانی نداشتند و برجسی هم روی ما خورد که اهل هنریم، که بعضا یک بار منفی حساب می شود. این یک مقدار نیاز به کار بیشتری در طلبه ها دارد که اول با بحث و گفتگو مقداری فضا سازی شود و بعد، اینها مطرح شود.

امکانات و زمینه اکران را چگونه فراهم کردید؟

ویدئو پروژکتور یک مؤسسه فرهنگی که مسئولیت آن را مادر بنده بر عهده دارد، را امانت می گرفتم، البته امسال خودشان مشتاق شدند که خودشان نیز به اکران کنندگان عمار بپیوندند.

معمولا در چه ایامی اکران می کردید؟

اغلب اکران در دی ماه بود، اما در جلسات هفتگی دو سه هفته یکبار





نمازگزاران مسجد صاحب الزمان هشتگرد به تماشای «اشک مادر» نشستند



مراسم گرامیداشت حماسه نهم دی و اکران «من مدیر جلسه‌ام» در ماسال



استقبال از مستند «آن بیست و سه نفر» در روستای محمودآباد سادات سیرجان



میزبانی حوزه بسیج خواهران شهرستان چناران از جشنواره عمار



برگزاری نشست اکران کنندگان شهرستان بروجرد

می‌گیرد و یک موقع می‌شود از همین فیلم‌ها مثل جشنواره عمار معرفت گرفت. ضرورت ندارد که معرفت و معارف دینی را از طریق سخنران بگیریم اما شاید لازم باشد که شور و احساس از طریق مداحی باشد، برای همین می‌توان سخنرانی را حذف کرد و فقط به فیلم اکتفا کرد.

چه شد که به فکر جشنواره عمار افتادید؟ می‌شد قالب‌های هنری دیگری هم انجام شود. خود هیئت هم به تنهایی می‌توانست خیلی کارها را انجام دهد.

بله درست است، رو آوردن به قالب‌های جدید فرهنگی، هنری در بین جمع طلبه‌ها نیاز هست و حداقلش این است که کسانی که به این سمت رفتند محکوم نشوند و هرکس باید آن طور که می‌تواند کمک کند. دغدغه‌ام این بود.

قبل از آغاز به کار جشنواره عمار و اکران‌های مردمی دیدگاه تان نسبت به سینما چگونه بود؟

خیلی نسبت به سینما ناامید بودم و بعضاً برخی فیلم‌های خارجی را بهتر از فیلم‌های ایرانی می‌دانستم. تاثیر عمار روی خودم هم بود که امیدوار شدیم کسانی هستند که می‌توانند ذره ذره پیش بروند و رشد کنند. دلیل این که از سینما ناامید بودم هم به خاطر مضمون فیلم‌ها، که تلاش‌های طلبه‌ها را هم در ایام تبلیغ خنثی می‌کند. یک مانع بزرگ در تبلیغ دین همین فیلم‌هایی است که به صورت یکسری اطلاعات در ذهن افراد جا گرفته و ما ابتدا باید این اطلاعات که فیلم‌ها در ذهن افراد جا انداخته‌اند را پاک کنیم و بعد تازه شروع به حرف زدن کنیم. در سبک‌های تبلیغی خودمان در مدارس و ... هم چیزی که خیلی مطرح هست این است که اگر می‌خواهید طرح بحث داشته باشید با پاورپوینت و فیلم و تصویر مطرح کنید. این به خاطر این است که سلیقه مردم و نوجوانان و جوانان الان دیگر بصری شده و دریافت اطلاعاتشان از طریق نگاه شده است یعنی ذائقه را تغییر داده‌اند و این مشکلی برای ما شده و باید به یک شکل، خودمان وارد شویم. این شاید کمترین کاری بود که جلوی راه مان آمد، تلویزیون تبلیغ کرد و گفتیم ما که هیئت داریم و وسایلی هم برای مان مهیاست، چرا در این زمینه وارد نشویم؟



در سامانه اکران مردمی عمار (عمار پورتال) بخوانید

ammarportal.ir



کلید خوردن ششمین جشنواره مردمی عمار داراب همراه با راه اندازی کمپین «من می‌خواهم مدافع حرم باشم با...»



اولین اکران روستایی جشنواره ششم عمار در مرآء

اکران روستایی در شهرستان مرآء واقع در بخش مرکزی شهرستان دماوند استان تهران و به مناسبت میلاد مسعود پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم و امام جعفر صادق علیه‌السلام در مسجد روستای مرآء با شرکت اهالی روستا و امام جماعت مسجد انجام شد. در کنار مراسم اکران فیلم‌های جشنواره عمار نیز برنامه‌های دیگری مثل نمایشگاه عکس به نام تسبیح تربت، اجرای سرود، دکلمه، شعرخوانی و نمایش نیز برگزار شد.



اولین اکران «میم، مثل مسجد؛ آ، مثل آتش» در مسجد لولاگر

به گزارش خبرنگار «نشریه روزانه جشنواره عمار»، مستند «میم، مثل مسجد؛ آ، مثل آتش» به نویسندگی، پژوهشگری و کارگردانی زهره یزدان پناه، درباره به آتش کشیده شدن مسجد لولاگر در فتنه سال ۸۸، برای اولین بار در مسجد لولاگر تهران، با حضور کارگردان این فیلم، اکران شد. اکران این فیلم که همزمان با سالروز حماسه نهم دی، بعد از نماز مغرب و عشا با حضور نمازگزاران و حجت الاسلام سعید طالبی نیا، امام جماعت مسجد لولاگر، روی پرده اکران رفت و با استقبال نمازگزاران مواجه شد.



جشنواره عمار

در تبریز با یاد شهدای نارداران افتتاح می‌شود

به گزارش خبرنگار «نشریه روزانه جشنواره مردمی فیلم عمار»، به نقل از پایگاه خبری «آناج»، جشنواره‌ی مردمی فیلم عمار، همزمان با سراسر کشور، در آذربایجان شرقی روز جمعه ۱۱ دی ماه در مسجد امام حسن (ع) تبریز آغاز به کار می‌کند.

تجلیل از سه چهره‌ی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، یکی از بخش‌های این آیین است. از خانم «محبوبه دل آمین»، بانوی فعال در زمینه‌ی پشتیبانی از دفاع مقدس، «جلیل طائفی»، فیلمساز و اکران‌کننده‌ی پرتلاش دهه‌ی شصت و مرحوم «میرزا علی زیرک»، شاعر مردمی انقلاب اسلامی توسط سه چهره‌ی شاخص دیگر، تقدیر می‌شود.

بخش ویژه‌ی افتتاحیه‌ی جشنواره‌ی عمار در آذربایجان شرقی، به گرامیداشت اربعین شهدای نارداران اختصاص یافته است. در این بخش، ضمن بزرگداشت شهدای مظلوم نارداران، لایه‌ها و زمینه‌های این جنایت، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.



افتتاحیه اکران های جشنواره مردمی فیلم عمار در منزل شهید مدافع حرم شهید محمد شالیکار

در این دیدار که همراه با اهدای تابلویی ساخته اعضای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان فریدونکنار برگزار شد، یکی از اعضا در مدح شهید شعرزیبایی را قرائت کرد. لازم به ذکر است آیین افتتاحیه اکران های جشنواره مردمی فیلم عمار شهرستان فریدونکنار با تماشای انیمیشن تولد (همزمان با شب تولد ابوالفضل شالیکار فرزند شهید مدافع حرم حاج محمد شالیکار) در این منزل برگزار شد. در ادامه پخش این فیلم همسر شهید از سازندگان و دست اندرکاران جشنواره فیلم عمار تشکر کردند و ابراز نمودند که این فیلم ها با تمام سادگی دارای مفاهیم و عمق هنری بالایی هستند که دل هر بیننده را به خود جذب می کند.



افتتاحیه ششمین جشنواره مردمی فیلم عمار در نسا همراه با ویژه برنامه حماسه ۹ دی

آیین افتتاحیه ششمین جشنواره مردمی فیلم عمار و بزرگداشت حماسه مردمی نهم دی ماه، روز بصیرت و تجدید میثاق امت با ولایت با سخنرانی برادر پاسدار «بدوی» با حضور اهالی و بسیجیان پایگاه مقاومت امام علی (ع) و بعثت خواهران در مسجد جامع روستای نصیرآباد برگزار گردید. در این مراسم، نحوه شکل گیری جشنواره مردمی فیلم عمار برای حاضرین بیان و دو فیلم «برخورد» با موضوع فتنه ۸۸ و «تک فرزندی» به نمایش درآمد. اکران فیلم های ششمین جشنواره مردمی فیلم عمار در روزهای آتی در مساجد و مدارس روستا ادامه خواهد داشت. گفتنی است در شب قبل که مراسم میلاد حضرت رسول اکرم (ص) و امام صادق (ع) برگزار بود، خبر از آغاز اکران داده شد و با ارجاع دادن خواهران به پوستر جشنواره که در آن «ننه عصمت» در حال بافندگی است، مسابقه ای با این سوال مطرح شد: «ننه عصمت کیست و در جنگ تحمیلی و بعد از آن چه نقشی را ایفا کردند؟ سوالات مسابقه مذکور جمع آوری شده تا در مراسم آینده هدایایی تقدیم گردد. لازم به ذکر است فیلم درخواست «ننه عصمت» نیز در ابتدای اکران پخش شد.

برپایی غرفه جشنواره مردمی عمار در مصلائی ثامن الائمه (ع) آبادان



گرفه است. در کنار این غرفه به معرفی چهره ها و شخصیت های برگزیده جشنواره عمار نیز پرداخته شده است، این غرفه تا روز ۱۱ دیماه در مصلائی ثامن الائمه آبادان برپا می باشد.

به مناسبت فرارسیدن یوم الله نهم دی ماه و روز تجلی بیعت با ولایت، به همت اکران کنندگان مردمی، غرفه جشنواره مردمی عمار در مصلائی ثامن الائمه (ع) آبادان، برپا شد. براساس اعلام دبیرخانه جشنواره مردمی عمار در آبادان، این غرفه از تاریخ ۹ لغایت ۱۱ دیماه در مصلائی ثامن الائمه (ع) دایر می شود. در این غرفه تعدادی از فیلم های ادوار مختلف جشنواره عمار از جمله تکلیف، کیف، لیبک، تیزر اکرانهای جشنواره و نمائنگ های مختلف و کلیپ هایی از سخنان رهبر معظم انقلاب اکران می شوند. همچنین، معرفی جشنواره عمار برای مخاطبان و نمازگزاران، معرفی پویش مردمی کمک به جبهه مقاومت و دریافت کمک امت حزب الله برای رزمندگان جبهه مقاومت و ثبت نام اکران کننده مردمی و دریافت ایده ها و نظرات فعالان فرهنگی، از دیگر اهداف برپایی این



کارگردان مستند وام اهلی

تعزیه ای برای بانکداری در «وام اهلی»

محمد اسفندیاری متولد ۱۳۶۹ در تهران دارای مدرک کارشناسی نرم افزار از دانشگاه تهران، در ششمین دوره جشنواره مردمی فیلم عمار بار مستند «وام اهلی» حضور پیدا کرده است؛



خوبی ارائه دهم و در حال حاضر نیز در حال تدوین یک اثر هستم که در دوره بعدی جشنواره عمار حضور پیدا خواهد کرد.

مستند «وام اهلی» چه پیامی برای مخاطبان خود دارد؟

در این مستند به دنبال شخصیتی بودم که با نظام بانکداری دچار چالش شده باشد و نهایتاً به گروهی رسیدم که سوژه اصلی مد نظر ما شمر گروه تعزیه بود، برادرش شبیه خوانی امام حسین (ع) را انجام می داد.

ماجرای این گروه از این قرار بود که در پی اتفاقاتی تصمیم به راه اندازی صندوق قرض الحسنه کردند و مسیری که در این راه طی کردند در مستند به نمایش گذاشته می شود، دارای نگاه منتقدانه به نظام بانکداری است.

در حقیقت دغدغه افراد گروه تعزیه و اعتقادات آنها، موتور محرکه این فیلم بود و فرآیندی که آنها طی کردند؛ این فیلم در نهایت برای مخاطبی است که دنبال پیچیدگی خاصی نباشد و از اول هدف ما جامعه ی روستایی و شهرستانی بود؛ چرا که این فیلم زبان حال آدم هایی است که به وام بانکی نیاز دارند و نمیدانند نتیجه این اقدام چیست و در ادامه این نکته به تصویر کشیده می شود که بانکداری کنونی زایده جامعه لیبرالیسم است و نهایتاً آن افراد به این نقطه می رسند که صندوق خانگی برای آنها نجات دهنده است و مزایایی دارد که بانک ها از آن فاصله دارند.

«وام اهلی» زبان حال آدم هایی است که به

وام بانکی نیاز دارند و نمی دانند بانکداری

کنونی زایده جامعه لیبرالیسم است نهایتاً آن

افراد با مشکلاتی که از سوی بانک گریبان گیر

آنها می شود، درمی یابند که صندوق های

خانگی برای آنها نجات دهنده است.

آقای اسفندیاری شما چطور شد وارد مقوله فیلمسازی شدید؟

من به رشته گرافیک علاقه داشتم و چندین سال در زمینه طراحی به ویژه طراحی کامپیوتری فعالیت می کردم و این زمینه علاقه من به جلوه های ویژه کامپیوتری شد و چند سال در این زمینه مشغول شدم و به تدریج وارد سینما شدم.

آغاز فیلم سازی شما چگونه رقم خورد؟

در ۱۶ سالگی یک دوربین کامپکت خریدم و در یک فضای بیابانی همراه پسر عموهام یک اثر کوتاه تولید و تدوین و صداگذاری آن را انجام دادم.

در حقیقت تولید آن اثر ساده سبب شیفتگی من به سینما شد و تا ۱۸ سالگی و قبل از کنکور و دانشگاه که در رشته غیر مرتبط با سینما بود، همیشه به ورود به سینما بودم.

تا کنون موفق به تولید چه آثاری شده

اید؟

تقریباً از سه سال پیش کارهایی از قبیل تولید تیزرهای اخلاقی و تبلیغاتی را در یک موسسه انجام میدادم، و به نوعی بیشتر تمرین فرم میکردم یعنی محتواهای ساده برای تمرین فرم انتخاب کرده و با بودجه کم، شیوه های مختلف را عملی می کردم و در کنار آن در زمینه فیلم نامه نویسی تحقیق و پژوهش می کردم تا بتوانم فیلم نامه های





مبنای فکری شما در تولید این اثر چه بود؟ بالاخره بانک‌ها هم دلایلی برای اقدامات خود دارند

ما به نکاتی که مراجع تقلید در مورد بانک‌ها گفته‌اند تمرکز کردیم و چیزی از خودمان به آن اضافه نکردیم؛ به عنوان مثال در مورد کلاه شرعی‌هایی که صورت می‌گیرد ورود پیدا نکردیم اما جریمه دیر کرد بانک‌ها که یک روال مشخص دارد را مورد بررسی قرار دادیم.

برای پرداختن به این موضوع تحقیقات میدانی لازم را انجام داده و نظرات مراجع تقلید را جویا شدیم؛ خیلی راجع به نظام بانکداری تحقیق کرده بودیم و تحقیقات ما هم تحقیقات کاربردی بود، یعنی در جامعه آدم‌هایی که درگیر مسئله جریمه‌های بانکی بودند را شناسایی کردیم و همه متفق القول می‌گفتند: «دچار خسارت شده‌اند و آیا یک وام بانکی با ۲۰ یا ۳۰ درصد سود تضمینی از نظر شرعی و اعتقادی درست است؟»

مراحل ساخت این مستند چگونه انجام شد؟

برای ساخت این مستند اعضای گروه تعزیه داستان و ماجرای خود را تعریف کردند افقی را تعریف کردند و ما با استفاده از نابازیگرها آن را بازسازی کردیم؛ بدین صورت که فردی که خاطره را تعریف می‌کرد آن را نیز بازی می‌کرد. در این اثر به عنوان کار اول تیمی که انجام دادم، تعدادی نابازیگر با این امتیاز که همه تعزیه‌خوان هستند و راحت‌تر جلوی دوربین می‌آیند، یک پروسه بانزده روزه تصویربرداری را انجام دادیم که هفت روز آن در تهران و هفت روز در روستا انجام شد و سعی کردیم در کنار موضوع مستند ابعاد زندگی در روستا و تفکرات اهالی آن بپردازیم؛ از این رو بخشی از داستان ما سرزدن به خانواده‌های بود که چند نسل پشت سر هم شمر تعزیه‌خوان بودند و پسر کوچک خانواده می‌خواهد تعزیه برود و برادرش شرط می‌گذارد که باید موافق خون شوید و دیگر مخالف نخوانید و این یکی از موضوعاتی است که در داستان جلو می‌رود.

نظر شما در مورد جشنواره عمار و موضوعاتی که به آن می‌پردازد چیست؟

به نظر من عمار با همین فرمان باید پیش برود ولی باید به فرم نگاه ویژه‌ای داشته باشد، عمار در چند دوره اول خیلی محکم ایستاد و نوع محتوای خود را به خوبی مشخص کرد و شاید مدینه فاضله عمار موقعی باشد که ما ببینیم همه صداهای نشنیده جهان از تریبون آن شنیده می‌شود و همه فیلمسازانی که میتوانند کار خوب داشته باشند و در هیچ جشنواره‌ای جای ندارند عمار را محفلی برای رساندن پیام خود بدانند.

متأسفانه بسیاری از فیلمسازان در مسیری که جشنواره‌ها پیش پای آنها می‌گذارند دچار تغییر در عقاید خود می‌شوند در حالی که میتوانند با همان تفکر خودشان جایگاهی داشته باشند و به نظر من جشنواره عمار در این زمینه نقش مهمی می‌تواند ایفا کند.



فیلمسازی با ۳ اثر در عمار

«مسیح در شب قدر» این بار در «سرباز واهیک»

حمید شعبانی ممدغ آبادی متولد ۱۳۶۲ تهران تحصیلات خود را در رشته مهندسی کشاورزی از دانشگاه آزاد کرج دریافت کرد و پس از گذراندن دوره های زیبایی شناسی، کارگردانی، تصویربرداری عکاسی و تدوین در سال ۱۳۸۵ با تولید اثری به نام آشنای غریب وارد عرصه فیلم سازی شد و هم اکنون با سه اثر مستند سرباز واهیک، فرمانده ۷۶ و شرح مدح در جشنواره مردمی عمار حضور دارد.

شعبانی، مستند فرمانده ۷۶ را بیان کننده پیام اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران خواند و تصریح کرد: حضور جمهوری اسلامی ایران در همه عرصه ها با اقتدار همراه است و در طی همراهی با ناوشکن جماران تا خلیج عدن و ترک منطقه دریایی توسط ناو آمریکایی، این مطلب به خوبی مشهود است.

وی، مستند شرح مدح دیگر مستند ارسالی به جشنواره عمار نامید و گفت: برای ساخت این مستند بیش از ۲۰۰ ساعت فیلم از دیدارهای مقام معظم رهبری با جامعه مداحان طی ۳۰ سال گذشته در مناسبت های مختلف، مورد بررسی قرار گرفت.

این مستند ساز جوان، افزود: مقام معظم رهبری در طی سال های گذشته همواره نکاتی را به جامعه مداحان توصیه می کردند: از این رو در مستند شرح مدح با استخراج قالب و چارچوب سخنان ایشان، از زبان مداحان مختلف مورد بررسی قرار گرفته است.

کارگردان مستند شرح مدح، در ادامه سخنان خود با اشاره به مشکلات پیش روی مستند سازان جوان، خاطر نشان کرد: اساسی ترین مشکل در ساخت مستند ممانعت ارگان های مختلف در مسیر تولید مستند است.

وی افزود: علی رغم اینکه مستند سازان مجوز لازم برای تصویربرداری از سطح شهر را از ناجی هنر دریافت می کنند اما مسئولان مکان های مختلف از جمله پارک ها، ایستگاه های اتوبوس، مترو و... به اشکال مختلف فعالیت مستند سازان را دچار مشکل می کنند.

شعبانی، ارائه مجوزی جامع از سوی نهادهای ذی ربط را راه مناسبی برای حل این معضل خواند و گفت: تحقق این کار می تواند بسیاری از موانع پیش روی تولید مستند را بر طرف کرده و از دخالت های بی مورد برخی نهاد ها جلوگیری کند.

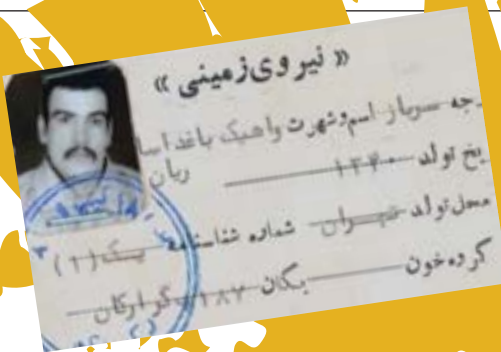
حمید شعبانی صمغ آبادی، کارگردان مستند سرباز واهیک در گفت و گو با خبرنگار «نشریه روزانه جشنواره مردمی فیلم عمار»، این مستند را پیرامون دیدار مقام معظم رهبری با خانواده شهید ارمنی معرفی کرد و اظهار داشت: حضور مقام معظم رهبری در شب میلاد حضرت مسیح در خانواده ای ارمنی که فرزندشان در دفاع مقدس به شهادت رسیده بود دارای نکات بسیار مهمی بود؛ از این رو در مدت زمانی یک ماه اقدام به تهیه مستندی در این زمینه کردم.

شعبانی صمغ آبادی، هدف از تولید مستند سرباز واهیک را نشان دادن زندگی اقلیت های مختلف دینی در ایران بیان کرد و گفت: در جمهوری اسلامی ایران اقلیت های مختلف به راحتی زندگی می کنند و ارتباط آنها با شیعیان به گونه ای است که عالی ترین مقام سیاسی و مذهبی ایران با حضور در خانه آنها مقام شهیدایشان را پاس می دارد.

وی افزود: اهمیت مسئله امنیت ایران شاید برای افراد بسیاری روشن نباشد؛ از این رو شنیدن آن از زبان اقلیت های دینی که وضع زندگی هم کیشان خود را در سایر کشور ها رصد می کنند بسیار حائز اهمیت است. کارگردان مستند سرباز واهیک، جشنواره عمار را ظرفیت مناسبی جهت پیوند مردم و فیلمسازان خواند و خاطر نشان کرد: بخش اکران مردمی در مکان های مختلفی همچون مساجد، دانشگاه ها و مدارس ظرفیتی گسترده برای نفوذ زبان فیلم در جامعه ایجاد کرده است؛ یکی از مهمترین اهداف فیلمسازان که همان دیده شدن آثارشان است را به خوبی تامین می کند.

این مستند ساز جوان، با اشاره به حضور مستند فرمانده ۷۶ در ششمین دوره جشنواره مردمی عمار، بیان داشت: این مستند پیرامون نقش راهبردی مقام معظم رهبری در نیروی دریایی است که طی همراهی عوامل این مستند با ناوشکن جماران مورد بررسی قرار می گیرد.





نگاهی به «سرباز واهیک»

دوربین روایتگر زندگی مسالمت آمیز در ایران

نویسنده: محسن محمدجانی

ماه ۸۴ همزمان با میلاد حضرت مسیح با پدر و اعضای خانواده واهیک است. پدر با ذوق و شوق فراوان داستان را بیان می‌کند که در همین حین عکس آن دیدار توسط اعضای خانواده آورده می‌شود و پدر خانواده عکس را می‌گیرد و با محبت خاصی به چهره رهبر انقلاب و تصویر حضرت امام که در عکس دیده می‌شد بوسه می‌زند.

یکی دیگر از نقاط قوت فیلم استفاده از تصاویر مستند این دیدار و نحوه رفتار محبت آمیزی است که بین مقام معظم رهبری و خانواده شهید واهیک وجود دارد که در دل آن دیدار حکایت اولین دیدار رهبر انقلاب با خانواده واهیک به میان می‌آید و در این باره خاطراتی از آن دیدار از پدر واهیک نقل می‌شود.

در ادامه سیر داستان شاهد آنیم که برادر واهیک به آرامستان ارامنه در جاده خاوران می‌رود و با آو درد دل می‌کند و از دلتنگی اش می‌گوید. و پس از آن برادرش از ثمره خون شهدا و عزت و اعتباری که ملت ایران از برکت خون شهدا به دست آورده ایم سخن می‌گوید.

مستند سیر روایی خوبی دارد مهم ترین ویژگی که می‌توان برای فیلم نام برد آن است که برخلاف بسیاری از به اصطلاح مستند ها موضوع آن مشخص است و اصل «وحدت موضوع» کاملا رعایت شده است. روند فیلم چراها و سوالاتی را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند که به همه آنها پاسخ می‌گوید و همین امر باعث شده است که بیننده بتواند با اثر ارتباط برقرار کند زیرا سیر روایت فیلم برایش منطقی است و از پراکنده گویی و ایجاد تشویش و گیجی بیننده جلوگیری میکند، چیزی که متأسفانه در فیلم های مستند شاهد آن هستیم که برای جذاب نمودن اثر ابهامات پراکنده و شلخته ای را بدون منطقی خاص سر هم می‌کنند.

به لحاظ فنی فیلم اثر خوبی است، عواملی همچون نور پردازی و تصویر برداری حرفه ای و مشکلی در صدا برداری وجود ندارد کات ها و برش ها منظم و همچنین فید بک های به جا و استفاده بجا از آرشو مناسب موجب تدوین نسبتا خوبی شده است. روایت فیلم به قدری موفق بوده است که نیازی به استفاده از نریشن وجود نداشته و این یکی از توانمندی های فیلمساز در بکار گیری از فرمی درست برای روایت داستان بوده است. اما در زمینه موسیقی متن فیلم چندان موفق نبوده است. اما شاید بهتر بود که از دیگر اعضای خانواده نیز مصاحبه گرفته می‌شد و همچنین کنکاشی از دوستان و همزمان شهید نیز می‌شد و نظر آنها هم بیان می‌شد.

نوآوری و خلاقیت در شروع داستان و همراهی آن با تیتراژ فیلم جذابیتهای را برای مخاطب ایجاد می‌کند که همراه است با ایجاد سوال در ذهن مخاطب که همه اینها باعث می‌شود بیننده رغبتی برای دنبال کردن فیلم داشته باشد.

نشان دادن تابلو کوچکی که مزین به نام شهید رویان است با تابلو مسجد و کلیسایی که هر دو در یک کوچه قرار دارند بیان گران است که کارگردان از تصویر این هم مکانی از زاویه دوربین مقصودی داشته است که حاوی پیام های بی شماری است از زندگی مسالمت آمیز مسلمان و مسیحی همراه با حفظ عقاید مذهبی و انجام شرایع دینی بدون هیچ محدودیتی و همچنین همدلی و اتحادی که بر اساس این ادیان توحیدی در بین مردم محل و کوچه شکل گرفته است و اگر بخواهیم نگاهی نمادین داشته باشیم کوچه را می‌توانیم سمبلی از کشور در نظر بگیریم.

روایت داستان از قرار ملاقاتی که مقابل کلیسای گرگور مقدس در منطقه مجیدیه تهران هماهنگ شده است آغاز می‌شود. سپس دوربین نمای کشیشی را نشان می‌دهد که در داخل کلیسا در حال سخن گفتن از زندگی خود در دوران دفاع مقدس و تشییع شهدای مسلمان و مسیحی در منطقه مجیدیه با عوامل فیلمساز است.

سپس دوربین نمای کاج کریسمس را نشان می‌دهد که توسط اعضای خانواده در حال تزیین است و در همین حین اعضای خانواده در حال خوش و بش کردن با یکدیگر هستند که ناگهان در کنار آن عکسی از یک فرد با لباس نظامی در کنار کاج دیده می‌شود و نگاه حسرت آمیز اعضای خانواده به سوی آن دوخته می‌شود. تصویر سازی فیلمساز برای مقدمه چینی و همراهی ذهن مخاطب بسیار قابل تحسین است. به طوری که تا این لحظه بیننده فضای محیطی و محتوایی فیلم را به خوبی درک می‌کند و داستان جذابیت و تازگی لازم را برای ادامه همراهی بیننده دارد.

فیلم روایتگر زندگی و اهداف شهید واهیک باغدادساریان ارمنی است که از زبان اعضای خانواده به تصویر کشیده می‌شود بیان همراه با بغض ها، گریه ها و لیخنده ها موجب انتقال احساسات و عواطف پدران و برادرانه به مخاطب می‌شود که برای بیننده قابل تأمل است. این احساسات با گفتن نحوه شهادت به اوج خود می‌رسد به طوری که فیلمساز قصد دارد احساسات پاک همه اعضای خانواده را به نمایش بگذارد.

اما این همه داستان نیست اصل داستان روایت دیدار رهبر انقلاب در دی





« پل کرخه » فداکاری از جنس تن و جان

پل کرخه، روایتگر فداکاری های جوانان دهه شصت اندیمشک است که با غیرت و صلابت اجازه ندادند تا این شهر مهم و استراتژیک ایران در اوایل جنگ تحمیلی ایران و عراق سقوط کند.

نیروهای رژیم بعث که با هدف، گرفتن پل کرخه و مسدود کردن مسیر ارتباطی تهران، خوزستان سعی در تسخیر این استان مرزی داشتند، با رشادت های جوانان این مرز و بوم مواجه شده و در تهاجم خود ناکام ماندند.

این مستند با استفاده از تصاویر آرشیوی و گفت گو با رزمندگان دوران دفاع مقدس سعی کرده روایتی همه جانبه از جلوگیری رزمندگان از سقوط پل کرخه را روایت کند.



« A157 » ارمغان های سیاه داعش

مستند «A157» روایتگر زندگی سه دختر سوری است که پس از دست دادن پدر و مادر خود در جنگ با تروریست های داعشی، مجبور به زندگی در اردوگاهی در نزدیکی مرز ترکیه شده اند. در این اثر، سه خواهر سوری به نام های «روکن»، «هیلمین» و «سولاف» از حوادثی تکان دهنده و تعرض وحشتناک یک داعشی در جریان حمله به خانه ی آنها سخن می گویند و تمام اتفاقات تلخی که بر آن ها در زندان گذشته را بازگو می کنند.

بهر روز نورانی پور، کارگردان این مستند، توانسته به خوبی با نزدیکی به سوژه، بخشی از مصیبت ها و رفتارهای غیرانسانی که نیروهای داعش با خود برای مردم سوری به ارمغان آورده اند را به تصویر بکشد.

A157 مستندی است که نشان داده آدمی در جهان مدرن تا چه میزان می تواند، ارزش های انسانی را زیر پا گذارد و مرتکب فجیع ترین جنایات ها شود و این رذائل و پستی ها را می توان به تنهایی در داعش جستجو کرد.



« دختر نهضت » سختی ها در کنار عشق

« دختر نهضت » با محوریت فعالیت یکی از مربیان زن سازمان نهضت سوادآموزی در دهه ۶۰ روایت می شود. این زن که در آن دوران برای گذراندن دوره های تربیت مربی ویژه نهضت سوادآموزی اعلام آمادگی می کند، پس از چند ماه، راهی روستاهایی در اطراف کلیبر استان آذربایجان می شود و در این روستای محروم به امر آموزش می پردازد.

در این مستند، « دختر نهضت » تعریف می کند که چگونه با سختی فراوان اما همراه با عشق و شیرینی خاصی، کار تدریس را شروع کرده و این امر، تا چه حد در رشد و تعالی روحی خودش نیز موثر بوده است.

مسعود کارگر، کارگردان این اثر، افزون بر نشان دادن روایتگری های « دختر نهضت » از فعالیت هایش در دهه ۶۰، با برخی از اعضای خانواده این بانوی فداکار هم مصاحبه شده است.

مقایسه تطبیقی

قسمت اول

ژانرهای سینمایی در ایران و سینمای جهان



علی سلطانی‌وش

...، تکنیک‌های قابل توجه تفکیک شده‌ای را می‌طلبید؛ تکنیک‌هایی که می‌بایست ملغمه‌ای از دانش آکادمیک و تجربی و باور عامیانه مردم و مسائل روانشناسی و جامعه‌شناسی باشد تا بتواند جامعیت ساختار خود را حفظ کند اما در ایران ژانر وحشت هیچ تکنیکی ندارد جزیک قاتلی که در تاریکی و مه به سوی طعمه خود نزدیک می‌شود البته صدای پای قاتل روی پله‌ها که با سرعت فوق‌آهسته و سوباسایی می‌آید و آهنگ سوزناک آن را هم در ذهن‌تان متصور شوید.

۴- ساخت یک فیلم پرتعلیق در حوزه وحشت، در همه جای دنیا نیاز به سطح بالایی از تخصص و فن در تمام زمینه‌ها، از طرح ابتدایی و بسط آن تا فیلمبرداری، کارگردانی، موسیقی، جلوه‌های ویژه و حتی صداگذاری و طراحی‌های صحنه و لباس دارد اما در ایران ژانر وحشت هیچ تخصص و فنی ندارد جزیک قاتلی که در تاریکی و مه به سوی طعمه خود نزدیک می‌شود البته صدای پای قاتل روی پله‌ها که با سرعت فوق‌آهسته و سوباسایی می‌آید و آهنگ سوزناک آن را هم در ذهن‌تان متصور شوید.

و در پایان باز هم متذکر می‌شود که حدکت سوباسایی و آهنگ سوزناک فراموش نشود

ژانر وحشت یکی از ژانرهای اصلی سینمای جهان و ایران است که مخاطبان متعدد و البته خاص خود را دارد. در این نوشتار کوتاه سعی شده است به تفاوت‌های کاربرد و کارکرد این ژانر در ایران و سینمای جهان بپردازیم:

۱- در همه جای جهان ژانر وحشت را در بسترهای مختلفی مثل تخیلی علمی جنایی هیولای و ... می‌سازند اما در ایران ژانر وحشت هیچ بستری ندارد جزیک قاتلی که در تاریکی و مه به سوی طعمه خود نزدیک می‌شود البته صدای پای قاتل روی پله‌ها که با سرعت فوق‌آهسته و سوباسایی می‌آید و آهنگ سوزناک آن را هم در ذهن‌تان متصور شوید.

۲- در همه جای دنیا ژانر وحشت شامل مولفه‌های ترس، خشم، وحشت و خیال و وهم می‌شود که با آمیزه‌ای از اینها ترس ناخودآگاهی را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند اما در ایران ژانر وحشت هیچ مولفه‌ای ندارد جزیک قاتلی که در تاریکی و مه به سوی طعمه خود نزدیک می‌شود البته صدای پای قاتل روی پله‌ها که با سرعت فوق‌آهسته می‌آید و آهنگ سوزناک آن را هم در ذهن‌تان متصور شوید.

۳- در همه جای دنیا ژانر وحشت از مرحله نگارش تا مرحله تولید و مخصوصاً پس از تولید (موسیقی، جلوه‌های ویژه

نیازمندی‌های روز سینمای ایران

رحیمه مهربان

انتهای باز فیلم خود را به مابیسپارید. موسسه بسته‌بندی کنندگان هنر پس فردا

صادرات انواع درام‌های اجتماعی همراه با پک ویژه‌ی لوکیشن‌های -قتل با سطل رنگ اضافه -ضرب و شتم با سیستم دالبی -فرار از خانه و طلاق عاطفی -و..... دیگر سیاه‌نمایی‌ها اسکار را با ما تجربه کنید

به چند عدد «هنر»، برای «هنر» نیازمندیم! انجمن فیلم‌سازان جوگیر

انتهای باز فیلم خود را به مابیسپارید. موسسه بسته‌بندی کنندگان هنر پس فردا

قسمت سوم

چطور وارد سینما شویم

طراح: سجاد جعفری

بعضی هم برای ورود به سینما بازی داشته‌های پدرشان حساب میکنند. خبری این روش این است که ممکن است غیر از بازیگری به عرصه‌های دیگر هم وارد شوند!



تحریریه: سجاد اسلامیان - نوید نوروزی
محمد رضا پورصفار - عارف جعفری - محمد رضا شهبازی
همکاران: اکرم گوهریان - رسول احمدی
سید امیرحسین فتاح حسینی
گرافیک: مهدی بادیه پیمان
6thammarpopularfilmfestival
@ammarmfilmfestival
ammarmfilm.ir

قسمت دوم

مروری اجمالی بر ادوار سینمای خفن ایران

بالاخره کشتمت!

علی عموکاظمی

استفاده می شد. کارگردانان مطرح در این دوران: سیروس الوند و ایرج قادری دیالوگ های رایج: « پسر: دیوونه من عاشقتم. دختر: منم عاشقتم عوضی! » / « پسر: پدر! شما دیگه نمی تونید ما جیون ها رو درک کنید. پدر: چی بلغور کردی؟! (زرزررررر) / « بیا با هم از اینجا فرار کنیم و توافق محو بشیم! » / « اگر با ازدواج من و بیژن موافقت نکنید، من خودم رو می کشم. » وضعیت استقبال تماشاگران: از این گونه فیلم ها نیز مانند فیلم های دوره ی اول، استقبال خوبی انجام می شد. یک ویژگی مثبتی که در آن دوران وجود داشت این بود که اگر دز عاشقانه ی فیلم بالا می رفت، برای آن محدودیت سنی اعمال می کردند و از ورود افراد زیر هجده سال به سینما ممانعت به عمل می آمد. (مانند فیلم های دختری با کفش های کتان و مصائب شیرین)، اما متأسفانه در حال حاضر چنین محدودیت هایی بر روی فیلم ها و سریال ها اعمال نمی شود، حتی در یک مورد مشاهده شده است که یک طفل دبستانی پس از مشاهده ی دو قسمت از سریال شهرزاد، در حالی که در مقابل مهد کودک دخترانه مشغول خواندن ترانه ی «کجایی عزیزم؟» محسن چاوشی بود، توسط حراست مهد کودک بازداشت شد!

در شماره ی گذشته به بررسی دوره ی اول سینمای ایران پرداختیم. در این شماره قصد داریم به دوره ی دوم که مربوط به فیلم های عاشقانه و دخترپسری می شود بپردازیم: معمولاً فیلم های این دوره به این صورت آغاز می شد که پسری از یک دختر در وسط خیابان خواستگاری می کرد و دختر هم عصبانی میشد و از پسری خواست که مزاحمت ایجاد نکند. در همین گیر و دار یک سری جوان که صحنه را مشاهده می کردند، به جوان عاشق پیشه می گفتند: « چرا مزاحم ناموس مردم میشی؟ » و بر سرش می ریختند و تا می خورد او را می زدند. دختر هم که صورت خونین پسرا می دید، به یکباره عاشق میشد! در اکثر اوقات پسر داستان در زیر خط فقر و حتی گاهی اوقات زیر خط فم قرار داشت ولی برعکس، دختر داستان بسیار روشنفکر بود. او بر روی بوم نقاشی می کشید و گاهی اوقات هم پیانو می زد! مادر دختر هم بسیار فیس و افاده ای تشریف داشت و به اندازه ی چندین کیلوگرم به خود طلا و جواهر آویزان می کرد. پدر دختر نیز یک کارخانه دار بود که حتی در منزل هم دستمال گردن می بست! البته در برخی اوقات پسر پولدار و دختر بسیار فقیر بود و دختر مجبور بود برای اینکه خرج پدر معتادش را بدهد کار کند.

بازیگران مطرح در این دوران: ابوالفضل پورعرب یکه تاز اینگونه فیلم ها بود. البته بعد از او به بازیگران دیگری مانند علی قربانزاده، محمدرضا گلزار و حمید گودرزی نیز می توان اشاره کرد. برای خانم ها نیز معمولاً از کسانی که چشمان رنگی داشتند

در شماره ی آینده به بررسی دوره ی سوم خواهیم پرداخت.